

مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبک‌های عشق‌ورزی

نیره آراین فر^۱، مه سیما پورشهریاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر آزمودن مدل طرحواره ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی بود. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. از میان کلیه زنان متأهل دارای تعارضات زناشویی که در زمستان سال ۱۳۹۵ به مراکز مشاوره شهر اصفهان مراجعه کرده بودند، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ، الگوهای عشق‌استرنبرگ و تعارضات زناشویی براتی و ثنائی بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار AMOS/۱۶ انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و سبک‌های عشق‌ورزی (میل، صمیمیت، تعهد) بر تعارضات زناشویی معنادار بود. همچنین، در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار حوزه بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی، سبک‌های عشق‌ورزی (میل، تعهد، صمیمیت) نقش میانجی داشتند؛ بنابراین، با توجه به نقش معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های عشق در تعارضات زناشویی، درمانگران می‌توانند در بحث بررسی و درمان مشکلات زناشویی به بررسی طرحواره طرد و بریدگی و سبک‌های عشق‌ورزی بپردازند.

واژگان کلیدی: تعارضات زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های عشق‌ورزی

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: arianfar.nayere@gmail.com

۲. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، پست الکترونیکی: mpourshahriari@yahoo.com

مقدمه

خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی، روانی و شناخت چگونگی ارضاء آنها و مجهز شدن به تکنیک‌های شناخت تمایلات زیستی و روانی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد (عدالتی و رزوان، ۲۰۱۰). هر چه از عمر خانواده‌های گسترده می‌گذرد و تبلور خانواده‌ی هسته‌ای در جامعه بیشتری می‌شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر، به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح تر می‌گردد (مردانی حموله و حیدری، ۱۳۸۹). خانواده یکی از پایه‌های اصلی جامعه به شمار می‌رود و دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت خانواده است و تحقق خانواده سالم به برخورداری افراد آن خانواده از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های پسندیده با یکدیگر بستگی دارد (گرای^۱، ترجمه گل کاریان، ۱۳۷۶). سلامت خانواده در پناه زندگی توأم با برپایی ارتباط پابرجا و همیشگی میان زن و مرد بر پا می‌شود (منصوری، مهرابی زاده، ۱۳۸۸). هر چند تعارض در هر رابطه نزدیکی پرهیزناپذیر است (افخمی، بهرامی، ۱۳۸۶) ولی پیش‌درآمد جدایی همسران تعارضات زناشویی^۲ است که از بگو مگوهای ساده آغاز شده تا درگیری‌های سهمگین گفتاری، کشمکش، کتک کاری و گاهی شاید تا جدایی گسترش پیدا کند (لانگ و یانگ^۳، ۱۹۹۷).

تعارضات زناشویی به عنوان تعامل بین زوج‌هایی در نظر گرفته می‌شود که علائق، دیدگاه‌ها و باورهای متضادی دارند (استرانگ، دیوالت و کوهن^۴، ۲۰۱۱). ۶۱ درصد افراد مطلقه، تعارض بیش از حد را یکی از دلایل طلاق خویش گزارش کرده‌اند (تروپ^۵، ۲۰۰۸). برخی نظریات بر این باور است که تعارض در زندگی خانوادگی، رویدادی طبیعی است که در اغلب اوقات، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته می‌شود که در تمامی روابط خانوادگی به چشم می‌خورد (فیرکلوث^۶، ۲۰۱۲).

-
- . Gray, G.
 - . Marital Conflict
 - . Long, L., Yang, M.
 - . Strong, B., Devault, C., & Cohen, T. F.
 - . Troupe, F. Y.
 - . Faircloth, B.

گاتمن (۱۹۹۹) به نقل از سگرین و فلورا، (۲۰۰۵)، تعارض زناشویی را به دو نوع قابل حل و مداوم تقسیم می‌کند. تعارضات قابل حل، همان طور که از نام آن برمی‌آید در خلال زندگی قابل حل است، اما تعارضات مداوم برای همیشه بخشی از زندگی افراد می‌شود، برای مثال خانواده‌ای که نمی‌تواند در مورد مقصد سفر خود در تعطیلات تصمیمی بگیرد، دچار تعارض قابل حل می‌شود. در چنین وضعی، اعضای خانواده با استفاده از فنون صحیح حل تعارض سرانجام به تصمیم مشارکتی می‌رسند و تعارض حل می‌شود، اما تعارضات دائمی عمیقاً در اختلاف بر سر موضوعات اساسی همچون ارزش‌ها، نقش‌ها و صفات شخصیتی ریشه دارد. این تعارضات دائماً در فضای خانواده جلوه‌گر می‌شود و اگر نگوئیم غیر قابل تغییر، به سختی قابل تغییر است. تعارض زناشویی با متغیرهایی همچون طلاق (ژیلیوسکی^۲، ۲۰۱۲؛ ریجیو و والنزولا^۳، ۲۰۱۱)، اختلال روانی در فرزندان (بلادجت، شیفر و هاگن^۴، ۲۰۱۳) فشار روانی و هیجانی در زوجین (لوکاس - تامپسون^۵، ۲۰۱۲) رابطه مستقیم و با متغیرهایی همچون سازگاری روانی فرزندان (اوه، لی و پارک^۶، ۲۰۱۱) و امنیت عاطفی و رفتارهای جامعه‌پسند فرزندان (مک کوی، کامینگز و داویس^۷، ۲۰۰۹) رابطه عکس دارد؛ بنابراین با افزایش روزافزون تعارضات زناشویی در دنیای معاصر و خطر بروز جدایی و طلاق و تأثیر منفی آن بر سلامت روان زوجین و فرزندان آن‌ها، مشاوران و متخصصان می‌بایست به این موضوع و آرایه‌ی راهکارهایی جهت پیشگیری و درمان آن توجه بیشتری داشته باشند.

یکی از موضوعاتی که باعث تعارض دائمی در فضای خانواده می‌شود، طرحواره‌ها می‌باشد. مطابق پژوهش‌های انجام شده، طرحواره‌ها در حیطه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارند و یکی از این حیطه‌ها، روابط مخصوصاً در زندگی زناشویی است.

-
- . Segrin, C., & Flora, J.
 - . Zhylyevskyy, O.
 - . Riggio, H. R., & Valenzuela, A. M.
 - . Blodgett, E. H., Schaefer, M. K., & Haugen, E. C.
 - . Lucas-Thompson, R. G.
 - . Oh, K. J., Lee, S., & Park, S. H.
 - . McCoy, K., Cummings, E. M., & Davies, P.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱ به ریشه اعتقادات منفی عمیق در مورد خود، دیگران و جهان اشاره دارند که ممکن است در طی سال‌های اول زندگی پرورش یافته باشد (ویرژیل، گرین، آرنو، سیسمور و مایرز^۲، ۲۰۱۱). یانگ معتقد است که طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند که این نیازها عبارتند از: دل بستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌داری (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). یانگ و گلوسکی^۳ (۱۹۹۷)، چنین فرض کردند که رضایت در روابط نزدیک و دوستانه فقط زمانی دیده می‌شود که هم نیازهای رشدی به طور مقتضی برآورده شده باشند و هم نیازهای بزرگسالی ارضا شوند، چون هریک از زوجین علاوه بر طرحواره‌هایی که با خود به رابطه می‌آورند در ارتباط فعلی خود نیز طرحواره‌هایی را به وجود می‌آورند که خاص این رابطه هستند (داتیلیو و بیرشک، ۱۳۸۵)، یعنی زمانی که نیازها ارضا نشوند، ممکن است طرحواره‌های ناسازگار خاصی ایجاد شوند که بر روابط صمیمانه اثر می‌گذارند.

یافته‌هایی وجود دارند که حاکی از وجود رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار و روابط والدینی است و یافته‌هایی نیز پیوند بین روابط خانواده و سطح رضایت و تعارضات را تأیید می‌کنند؛ بنابراین امکان دارد طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سطح تعارضات در روابط زناشویی ارتباط داشته باشند. در این زمینه به نتایج چند پژوهش اشاره می‌گردد؛ یافته‌های پژوهشی توسط باربر^۴ (۱۹۹۲) نشان داده‌اند که ایجاد روابط صمیمانه در نوجوانی و بزرگسالی می‌تواند به واسطه‌ی رابطه‌ی فرد با خانواده اصلی‌اش ارتقا پیدا کرده و یا محدود شود. رابینسون^۵ (۲۰۰۰) نیز دریافت رابطه‌ی مادر-فرزندی مثبت و انطباق‌پذیری خانواده

-
- . Initial Maladaptive Schema
 - . Virgil Zeigler-Hill, V., Z., Green, B., Arnau, R.C., Sisemore, T., B., & Myers, E.M.
 - . Young, J. E. & Gluhoski, V.
 - . Barber, B. K.
 - . Robinson, L.C.

با روابط صمیمانه در دوران بزرگسالی مرتبط می‌باشد. در تحقیقی که توسط کلیفتون^۱ (۱۹۹۵) برای بررسی رابطه صداقت، نزدیکی، استحکام رابطه و سازگاری با طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر روی دانشجویانی که درگیر روابط عاشقانه بودند صورت گرفت، نتایج نشان داد که طرحواره‌ی ناسازگار شکست، ارتباط منفی با احساس اعتماد و قابل پیش‌بینی بودن شریک داشت و طرحواره‌ی بدرفتاری و بی‌اعتمادی به طور مستقیم با قابلیت اطمینان شریک رابطه داشت. افرادی که دارای طرحواره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی و نقص بودند، کمتر به شریک خود ایمان داشتند و طرحواره ناسازگار نقص به طور مستقیم و منفی بر نزدیکی، رضایت، محبت و به طور کلی سازگاری رابطه اثر داشت. پژوهشی نیز توسط استیلز^۲ (۲۰۰۴) با عنوان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت در روابط عاشقانه بزرگسالی در این زمینه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد طرحواره‌ی ناسازگار محرومیت هیجانی پیش‌بینی‌کننده صمیمیت می‌باشد. طرحواره نقص و شرم پیش‌بینی‌کننده صمیمیت کمتر در مقیاس صمیمیت اجتماعی میلر بود. فلاح‌چای، زارعی و نورمندی (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که بین طرحواره ناسازگار طرد و بریدگی و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. دمیترسکو و روسو^۳ (۲۰۱۴) نشان دادند که سطوح طرحواره‌های ناسازگار اولیه توانستند سطوح رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. اندوز و حمیدپور (۱۳۸۴) نیز در تحقیقی به این نتیجه دست یافته‌اند که هر چه طرحواره‌ها ناسازگارتر باشد، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و همچنین گزارش نمودند که سبک دلبستگی ایمن با طرحواره‌های ناسازگار ارتباط معناداری دارد. زرعیانی (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه‌ی مثبت بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی را یافت. هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی تاثیر منفی معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعهد زناشویی را یافتند. همچنین، ارجبی، پیردایه و خجسته مهر (۱۳۹۱) در پژوهش خود یافتند، یکی از عواملی که مانع انتخاب درست همسر و نیز

۱. Clifton, J.a.
 ۲. Stiles, O. E.
 ۳. Dumitrescu, D., & Rusu, A.S.

تعارضات زناشویی در آینده می‌شود، نگرش‌های غیر منطقی و نیز طرحواره‌های ناکارآمد است که فرد نسبت به انتخاب همسر دارد. بر این اساس شیری، گل محمدیان و حجت خواه (۱۳۹۵) در پژوهش خود اثربخشی طرحواره درمانی بر نگرش‌های ناکارآمد نسبت به انتخاب همسر را یافتند با توجه به تحقیقات مذکور، چنین انتظار می‌رود که ناسازگاری بیشتر یک طرحواره باعث تعارضات بیشتر در روابط بعدی می‌شود.

عدم عشق و محبت کافی ممکن است به صورت مشکلات شناختی، اختلالات اضطرابی و مشکلات فیزیولوژیکی نمایان شود و یا اینکه زمینه را برای گرایش به انحرافات اجتماعی از قبیل روابط فرازناشویی، عدم تعهد، بی بند و باری جنسی، کاهش رضایت جنسی، اضطراب، افسردگی، شکاکیت و اعتیاد فراهم سازد (مسترز، ۲۰۰۸؛ تیلگمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ نقل از کریمیان، ۱۳۹۰)؛ بنابراین روابط نزدیک و عاشقانه، از جمله عوامل دیگری است که بر سلامت روان و نیز رضایتمندی و تعارضات زوجین اثر مستقیم دارد (بک^۱، ۱۹۹۴؛ ترجمه قراچه داغی، ۱۳۷۹). متأسفانه مشاهده زندگی زناشویی افراد در سطح جامعه و مطالعه پژوهش‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که در همه‌ی زندگی‌های خانوادگی، فضای صمیمانه، آرامش، محبت و عشق برقرار نیست، تفاهم بین همه‌ی زوجین وجود ندارد، یعنی رضایت از زندگی برای اکثر افراد تأمین نمی‌شود. این امر می‌تواند حاصل عدم درک صحیح از دیدگاه یکدیگر، نداشتن آگاهی کافی از مفهوم عشق و صمیمیت باشد (ستیر، ۱۹۸۳؛ ترجمه بیرشک، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت مفهوم عشق و عشق‌ورزی، نظریه‌های بسیاری در این زمینه مطرح شده است؛ اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها که به تبیین اجزا و انواع عشق می‌پردازد، نظریه‌ی مثلثی عشق است که توسط یکی از روانشناسان معاصر به نام استرنبرگ^۲ ابداع شده است. وی در سال ۱۹۸۶ با ارایه‌ی نظریه‌ی سه وجهی عشق، عشق را ترکیبی از سه عنصر صمیمیت، میل (شور و شوق) و تعهد می‌دانست. صمیمیت: شامل احساس نزدیکی، عاطفه، ارتباط، پیوستگی عمیق، خودافشاگری و وابستگی فردی در روابط عاشقانه است. این بعد

۱. Beck, A.T.

۲. Sternberg, R.

جنبه‌ی هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت، نزدیکی، در قید طرف مقابل بودن ایجاد می‌کند (نلسون، ۲۰۰۵؛ نقل از قمرانی و طباطبائی، ۱۳۸۵). میل (شور و شوق): احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژیکی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهنی مثبت نسبت به معشوق است. این جنبه بعد انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژیکی توأم با میل به رابطه جنسی و عطوفت مهرورزانه ایجاد می‌کند. تصمیم / تعهد: شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیرخودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این بعد جنبه شناختی دارد و دربردارنده تصمیم گرفتن برای تعهد داشتن، حفظ و نگهداری معشوق و رابطه طولانی مدت با اوست (استرنبرگ، ۱۹۸۶؛ نقل از فرح بخش و شفیع آبادی، ۱۳۸۵). ترکیب این سه عنصر عشق، انواع مختلف عشق را به وجود می‌آورد و هنگامی که همه‌ی عناصر به طور متوازن حضور داشته باشند، کامل‌ترین نوع عشق یعنی عشق تمام عیار به وجود می‌آید؛ اما باید به این امر توجه شود که در روابط نزدیک عشق تنها یکی از عواملی است که سبب موفقیت در رابطه می‌شود، نه همه‌ی آن و همواره موارد دیگری در ایجاد رضایت مندی دخیل می‌باشند (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۶).

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد اهمیت سبک‌های عشق ورزی^۱ (صمیمیت، میل و تعهد) در کیفیت روابط و رضایت و نیز تعارضات زناشویی صورت گرفته است. احمدت اگلو، اسوارنی و چامورو-پرموزیک^۲ (۲۰۰۹) دریافتند که از بین مؤلفه‌های عشق، بعد میل (هوس) با استمرار رابطه زناشویی، رابطه منفی و بعد تعهد با استمرار رابطه زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد. کرافورد، فینگ، فیشر و دیانا^۳ (۲۰۰۳) طی یک پژوهش به این نتیجه رسیدند که عشق و برابری بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های تناوب رابطه هستند و باعث افزایش تعهد در رابطه و رضایتمندی می‌شوند. آوربک -کمپ، اینکلز^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی یافتند که میان مؤلفه‌های عشق با تداوم رابطه‌ی عاشقانه، رابطه مثبت وجود دارد. پژوهش‌های

۱. Love-Making Styles

۲. Ahmetoglu, G, Swarni, V, & Chamorro-premuzic, T.

۳. Crawford, D. W., Feng, D., Fischer, J. L., & Diana, L. K.

۴. Overbeak, B., Kemp, B., & Engels. G.

حفاظتی طبقه، فیروزآبادی و حق شناس (۱۳۸۵) حاکی از وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار بین هر سه مؤلفه عشق و رضایت زناشویی بود. پژوهش رحیمی و بنگانی (۱۳۸۷) نشان داد که بین مؤلفه‌های عشق، تنها بعد صمیمیت، رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش ولی بیگی و پیوسته (۱۳۸۷) بیانگر آن بود که از بین عناصر عشق، تنها بین صمیمیت و رضایت از زندگی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. کامکار و جباریان (۱۳۸۵) نشان دادند که ۷۵٪ اختلال در روابط زناشویی به دلیل اختلال در روابط صمیمی و عاطفی زوجین بوده است. سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵) در پژوهش خود نشان دادند که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می‌تواند موجب رضایت بیشتر از روابط زناشویی گردد و تعهد به تنهایی موجب رضایت زناشویی نمی‌گردد.

بسیاری از ازدواج‌های کنونی با عشق و تأکید بر روابط عاشقانه آغاز می‌گردد، اما پایدار نمی‌ماند. عشق واقعی، مستلزم تعهد و دلبستگی است و در واقع این تعهد و دلبستگی در دوران زندگی زناشویی، اساس یک رابطه عاشقانه است. با اندکی تعمق به پیامدها و زیان‌های اجتماعی (از قبیل آمارهای طلاق که هر ساله رو به افزایش است)، اقتصادی و روانی (از جمله هزینه‌هایی که سالانه صرف درمان اختلالات روانی می‌گردد) تعارضات زناشویی در ایران و نیز نتایج پژوهش‌های ذکر گردیده، توجه به عوامل مؤثر در کیفیت و نیز تعارضات زناشویی از جمله بالا بردن آگاهی افراد در خصوص مفهوم عشق، سبک‌های عشق‌ورزی، عدم وجود طرحواره‌های ناسازگار اولیه، گامی عاقلانه و سودمند در جهت پایین آوردن تعارضات زناشویی خواهد بود و از آن جایی که طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر قدرتمندی در زندگی فردی و به تبع آن زندگی زناشویی و کیفیت آن دارد، شناخت متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بررسی تعارضات زناشویی می‌تواند گامی مفید باشد، زیرا طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طرفی بر سطح تعارضات زناشویی افراد در زندگی زناشویی و از سوی دیگر بر سبک‌های عشق‌ورزی افراد تأثیر گذار می‌باشد.

اگرچه تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های عشق‌ورزی و تعارضات انجام گرفته است، اما در مرور پیشینه، پژوهشی که همزمان به بررسی رابطه بین طرحواره‌ای ناسازگار اولیه حوزه‌ی بریدگی و طرد و سبک‌های

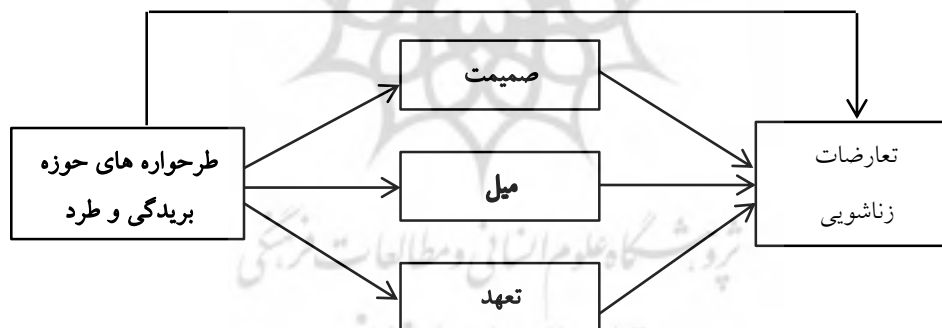
عشق‌ورزی و تعارضات زناشویی پرداخته باشد، یافت نشد. لذا، هدف از پژوهش حاضر، آزمودن مدل رابطه بین طرحواره ناسازگار اولیه حوزه‌ی بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی بود. همچنین، فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱- طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه‌ی بریدگی و طرد با تعارضات زناشویی رابطه‌ی معنادار دارند.

۲- طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه‌ی بریدگی و طرد با سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) رابطه‌ی معنادار دارند.

۳- سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) با تعارضات زناشویی رابطه‌ی معنادار دارند.

۴- طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ی حوزه‌ی بریدگی و طرد با تعارضات زناشویی از طریق سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل و تعهد) رابطه‌ی معنادار دارند.



شکل ۱. مدل مفروض اولیه

روش پژوهش

این پژوهش همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود که در سال ۱۳۹۵ در این شهر زندگی می‌کردند. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده

شد. حجم نمونه ۳۰۰ نفر از زنان متأهل دارای فرزند مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بود. از بین تمامی مراکز مشاوره شهرستان اصفهان ۲۰ مرکز انتخاب و در هر مرکز ۱۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان به ترتیب ۳۶/۶ و ۸/۴ و مدت ازدواج نیز ۱۱/۵ و ۸/۳ بود.

ابزار

فرم کوتاه پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱: برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه طرد و بریدگی از پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه از پرسشنامه‌ی یانگ (۲۰۰۵) استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ در جمعیت غیر بالینی برای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین این پژوهشگران نشان دادند، پرسشنامه طرحواره یانگ با مقیاس‌های پریشانی روان‌شناختی و اختلالات شخصیت همبستگی بالایی دارد و بنابراین از روایی مطلوبی برخوردار است (اسمیت و همکاران، ۱۹۹۵، به نقل از لطفی، ۱۳۸۵). این پرسشنامه را در ایران آهی (۱۳۸۵) ترجمه و آماده اجرا کرده و همسانی درونی آن را بر حسب آلفای کرونباخ در گروه مؤنث ۰/۹۷ و در گروه مذکر ۰/۹۸ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر برای سنجیدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ استفاده شد. در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی مقیاس طرحواره ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ در این پرسشنامه ۰/۹۶ به دست آمده است.

پرسشنامه تعارضات زناشویی^۲: این پرسشنامه بوسیله براتی و ثنائی تهیه و تنظیم شده است و دارای ۴۲ پرسش است که هفت بعد از تعارضات زناشویی را اندازه می‌گیرد که عبارت است از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از همدیگر. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

۱. SQ-SS

۲. Marital Conflict Questionnaire (MCQ)

خزائی (۱۳۸۵) به منظور پائینی این آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده کرد که نمره ۰/۸۱ برای کل آزمون به دست آمده است. دهقان (۱۳۸۰) به منظور پائینی این آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده کرد که نمره آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت عامل آن به ترتیب کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹ به دست آمده است. در مرحله تحلیل مواد آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، ۱۳ سوال از ۵۵ سوال اولیه حذف شده است (ثنائی، ۱۳۷۹). در پژوهش خزائی نمره‌های تمامی عوامل پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۱ با نمره کل تعارضات زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی معناداری داشت. ضریب آلفای کرونباخ در این پرسشنامه ۰/۹۶ به دست آمده است.

پرسشنامه الگوهای عشق استرنبرگ^۱: این پرسشنامه توسط رابرت، جی استرانگ در سال ۱۹۸۶ تدوین شده است که دارای ۴۵ ماده می‌باشد که سه مؤلفه‌ی صمیمیت (۱۵ سوال اول)، میل (۱۵ سوال بعدی) و تعهد (۱۵ سوال آخر) را می‌سنجد. پاسخ به آن‌ها به روش لیکرت و به صورت ۹ گزینه‌ای (۱ به معنای کاملاً مخالف و ۹ به معنای کاملاً موافق) می‌باشد که به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، نمره‌گذاری می‌شود و نمرات بالاتر به معنای صمیمیت، میل و تعهد بیشتر می‌باشند. استرنبرگ (۱۹۹۷) اعتبار این آزمون را ۰/۹ ذکر کرده است (قمرانی و طباطبائی، ۱۳۸۵). در ترجمه فارسی این مقیاس توسط حافظی، فیروزآبادی و حق شناس (۱۳۸۵) مورد هنجاریابی قرار گرفته است که اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مؤلفه‌های صمیمیت (۰/۹۶)، میل (۰/۹۲)، تعهد (۰/۹۵) گزارش کردند. همچنین امان الهی فرد (۱۳۸۵) اعتبار پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مؤلفه‌های صمیمیت (۰/۸۹)، میل (۰/۸۹) و

۱. Triangular inventory of love Sternberg

تعهد (۰/۸۱) گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفا برابر، برای مؤلفه های صمیمیت (۰/۹۷)، میل (۰/۹۳)، تعهد (۰/۹۸) به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱) میانگین و انحراف استاندارد مربوط به زیرمقیاس‌های سبک عشق‌ورزی، طرحواره ناسازگارانه و تعارضات زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد مربوط به مولفه‌های پژوهش

طرحواره	صمیمت	میل	تعهد	تعارضات زناشویی	میانگین
۶۵/۵۶	۸۸/۲۱	۸۹/۹۰	۱۰۲/۰۴	۹۵/۵۱	میانگین
۳۰/۱۲	۲۷/۸۹	۲۵/۸۴	۳۶/۲۸	۳۴/۷۲	انحراف استاندارد

محاسبه ضراب همبستگی پیرسون بین متغیرهایی پژوهش نشان داد که رابطه بین طرحواره و سبک‌های عشق (صمیمت، میل و تعهد) رابطه منفی معناداری است. به عبارت دیگر با افزایش طرحواره، ابعاد سبک‌های عشق کاهش می‌یابد. ولی بین تعارضات زناشویی و سبک‌های عشق (صمیمت، میل و تعهد) رابطه منفی و معناداری است به عبارت دیگر با افزایش ابعاد سبک‌های عشق، تعارضات زناشویی به صورت معنادار کاهش می‌یابد و بین تعارضات زناشویی و طرحواره رابطه مثبت و معناداری وجود دارد با افزایش طرحواره، تعارضات زناشویی به صورت معنادار افزایش می‌یابد.

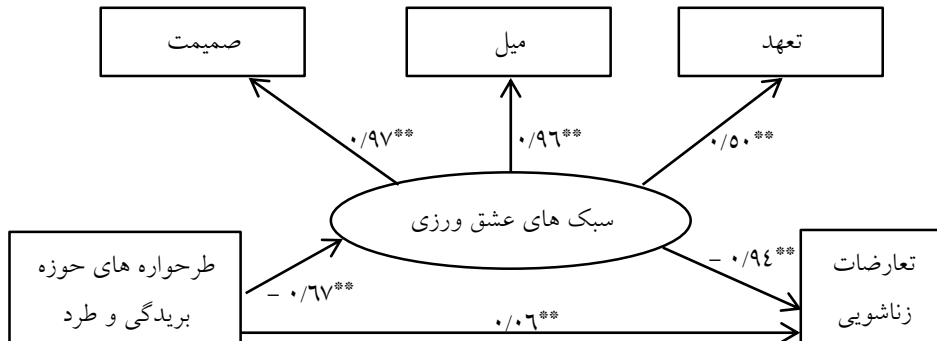
جدول ۲. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

طرحواره	صمیمت	میل	تعهد	تعارضات زناشویی
-	-	-	-	-
-۰/۶۶۸**	-	-	-	-
-۰/۳۴۱**	۰/۷۷۶**	-	-	-
-۰/۶۲۴**	۰/۹۰۴**	۰/۷۵۹**	-	-
۰/۶۹۲**	-۰/۹۴۹**	-۰/۷۷۴**	-۰/۹۳۴**	-
معناداری در سطح ۰/۰۱				
معناداری در سطح ۰/۰۵				

نقش واسطه‌ای سبک‌های عشق‌ورزی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرحواره ناسازگار اولیه از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد. با توجه به کفایت نمونه، میزان برازش (تناسب) مدل فرضی در نرم‌افزار ایموس مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج مدل‌یابی حاکی از آن است که طرحواره ناسازگارانه اولیه به صورت مستقیم بر روی تعارضات زناشویی در سطح ۰/۰۵ تأثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین با حضور متغیر میانجی سبک‌های عشق‌ورزی تأثیر مثبت و معناداری طرحواره ناسازگار اولیه بر روی تعارضات زناشویی دارد. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۳ گزارش شده است با توجه به اینکه مقادیر محاسبه شده در دامنه قابل قبول قرار دارند مدل برازش داده شده مدل مناسبی خواهد بود

جدول ۳. نتایج شاخص‌های برازش مدل

شاخص	علامت اختصاری	معادله فارسی	دامنه قابل قبول	الگوی تدوین شده
شاخص معیار	AIC	شاخص تعیین برانزده الگوسازی	-	۳۱/۲۲۹
اطلاعات	BIC	شاخص تعیین برانزده الگوسازی	-	۸۲/۷۰۴
تطبیقی	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۰-۱	۰/۹۹۹
	TLI	شاخص برازش توکر-لویس	۰/۹۰-۱	۰/۹۸۸
	IFI	شاخص برازش افزایشی	۰/۹۰-۱	۰/۹۹۹
	RFI	شاخص برازش نسبی	۰/۹۰-۱	۰/۹۸۲
	NFI	شاخص برازش نپلر-بنت	۰/۹۰-۱	۰/۹۹۸
مقتصد	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰-۰/۰۸	۰/۰۷۷
مطلق	GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۵-۱	۰/۹۹۶
	AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۵-۱	۰/۹۳۴
	x	مقدار کای اسکوتر	وابسته به حجم نمونه	۳/۲۲۹
	Df	درجه آزادی	وابسته به حجم نمونه	۱
	x /df	مقدار کای اسکوتر بر درجه آزادی	وابسته به حجم نمونه	۳/۲۲۹
	p-value	سطح معناداری	بیش از ۰/۰۵	۰/۰۷۲



شکل ۲. میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی در رابطه تعارضات زناشویی و طرحواره ناسازگار اولیه (ضرایب استاندارد)

جدول ۴. تأثیر مستقیم میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی در رابطه تعارضات زناشویی و طرحواره ناسازگار اولیه

ضریب رگرسیونی غیراستاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد	انحراف معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
۲/۰۸۹	۰/۹۷۱	۰/۲۴۶	۸/۴۹۷	<۰/۰۰۰۱
۱	۰/۵۰۱	-	-	-
۲/۶۷۴	۰/۹۵۶	۰/۳۱۹	۸/۳۸۳	<۰/۰۰۰۱
۰/۰۷۱	۰/۰۶۱	۰/۰۲۷	۲/۶۴۴	۰/۰۰۸
-۰/۲۹۰	-۰/۶۷۴	۰/۰۴۷	-۶/۱۲۲	<۰/۰۰۰۱
-۲/۵۰۷	-۰/۹۳۶	۰/۳۰۳	-۸/۲۷۱	<۰/۰۰۰۱

جدول ۵. تأثیر غیرمستقیم میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی در رابطه تعارضات زناشویی و طرحواره ناسازگار اولیه

ضریب رگرسیونی غیراستاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد	میانجی‌گری
۰/۸۳**	۰/۶۲۳**	سبک عشق‌ورزی <---
۱/۵۲**	۰/۶۰**	تعارضات <---
۰/۸۳**	۰/۳۱**	میل <---
۱/۹۴**	۰/۶۱**	تعهد <---

معناداری در سطح ۰/۰۵

معناداری در سطح ۰/۰۱

با توجه به جدول (۴) می‌توان نتیجه گرفت طرحواره ناسازگار با میزان تأثیر ۰/۰۶۱ در سطح معناداری ۰/۰۵ بر روی تعارضات زناشویی تأثیر مثبت و معنادار دارد و تأثیر طرحواره ناسازگار بر روی تعارضات زناشویی با اثر میانجی‌گیری سبک‌های عشق ورزی برابر با ۰/۶۲۳، با اثر میانجی‌گری صمیمیت برابر با ۰/۶۰، با اثر میانجی‌گری میل برابر با ۰/۳۱ و با اثر میانجی‌گری تعهد برابر با ۰/۶۱ می‌باشد که این تأثیرهای در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آزمایش مدل طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی صورت گرفته است. نتایج نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش اندوز و حمیدپور (۱۳۸۴)، رفیعی، حاتمی و فروغی (۱۳۹۰)، زرکانی (۱۳۹۰)، سیسرو، نلسون و گیلی^۱ (۲۰۰۴)، پلاتز، تیسون و ماسون^۲ (۲۰۰۵) همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از عوامل بسیار مهم در رضایت زناشویی، سبک‌های دلبستگی زوج‌ها در بزرگسالی است (بانز^۳، ۲۰۰۴). سبک دلبستگی به طرحواره‌های زیستی و رفتاری اشاره دارد که چگونگی روابط نزدیک با دیگران را تعیین می‌کند (کارانتزاس، فینی و ویلکینسون^۴، ۲۰۱۰). دلبستگی پیوند عاطفی و هیجانی نسبتاً پایداری است که بین کودک و مادر و با افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنها است، ایجاد می‌شود (پاپالیا^۵، ۲۰۰۲). نظریه‌ی دلبستگی ازدواج از اثر بالبی (۱۹۶۹) در مورد روابط بین نوزادان و مراقبان اولیه‌شان ناشی می‌شود. بالبی^۶ (۱۹۶۹) معتقد است که

-
- . Cecero, J., Nelson, J., & Gillie, J.
 - . Platts, H., Tyson, M., Mason, O.
 - . Banes, R.
 - . Karantzas, G. C., Feeny, J. A., & Wilkinson, R.
 - . Papalia, D.E.
 - . Bowlby, J.

ماهیت این رابطه صمیمی اول، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می‌کند. رفتارهای دلبستگی و پیامدهای آن در سراسر زندگی فعال باقی می‌مانند و به هیچ وجه به دوره‌ی کودکی محدود نمی‌شوند (سیمپسون، کولینز، ترن و هایدن^۱، ۲۰۰۷) و در بزرگسالی افکار، احساس‌ها و نگرش به رابطه‌ی دلبستگی، بدون شک می‌تواند بر نحوه‌ی رفتار تأثیر بگذارد (هانتسینگر و لوکن^۲، ۲۰۰۴). نارضایتی همسران اغلب از ترس‌های برخاسته از سبک دلبستگی آن‌ها نشأت می‌گیرد (ترس از رها شدن یا نبودن صمیمیت). از این رو همسران افراد ناایمن، رضایت و نیز صمیمیت زناشویی پایین‌تری را گزارش می‌دهند. در عوض زوج‌هایی که هر دو ایمن هستند در مقایسه با زوج‌هایی که یکی یا هر دو ناایمن هستند، سازگاری بهتری را گزارش می‌دهند (فینی^۳، ۱۹۹۴؛ لوسیر، سابورین و تارگتون^۴، ۱۹۹۷). بانز (۲۰۰۴) و اولیوریا و کاستا^۵ (۲۰۰۰) در پژوهشی بدین نتایج دست یافتند که دلبستگی ایمن، با افزایش رضایتمندی زناشویی و دلبستگی ناایمن با کاهش رضایتمندی زناشویی ارتباط دارد.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش رابطه‌ی منفی بین طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی و طرد با سبک‌های عشق (میل، تعهد، صمیمیت) بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بزرگسالی دلبستگی ایمن فرد را به مخاطره می‌اندازد (سرو، نلسون و گیلی^۶، ۲۰۰۴) و رفتارهای دلبستگی و پیام‌های آن در سراسر زندگی فعال باقی می‌مانند (سیمپسون، کولینز، ترن و هایدن^۷، ۲۰۰۷) و در بزرگسالی افکار، احساس‌ها و نگرش‌ها نسبت به رابطه‌ی دلبستگی، بدون شک می‌تواند بر نحوه‌ی رفتار و عشق ورزی تأثیر بگذارد (هانتسینگر و لوکن^۲، ۲۰۰۴). یانگ (۱۹۹۹) بر این باور است که طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دلبستگی ایمن به دیگران مانند نیاز

-
- . Simpson, J.A., Colins, W.A., Tran, S., & Hydon, C.
 - . Hustsinger, E.T., & Luecken, L.Y.
 - . Feeny, J.A.
 - . Lussier, Y, Sabourin, S. & Turgeon, C.
 - . Oliveira, J., & Costa, M. E.
 - . Cecero, J., Nelson, J., & Gillie, J.
 - . Simpson, J.A., Colins, W.A., Tran, S., & Hydon, C.

به امنیت، بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح و محدودیت واقع‌بینانه و خویش‌داری در دوران کودکی به وجود آمده‌اند (یانگ، ۱۹۹۹، ترجمه صاحبی و حمیدپور، ۱۳۸۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی دارای هم‌پوشانی و نقطه تعامل می‌باشند و یکی از پنج نیاز اساسی که یانگ و همکاران (۱۹۹۹-۱۹۹۰) به آن اشاره کرده‌اند نیاز به دلبستگی ایمن در فرد می‌باشد و با توجه به اینکه افراد دارای طرحواره‌های طرد و بریدگی در خانواده‌هایی بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیر قابل پیش‌بینی و بدرفتار رشد می‌کنند و انتظار آن‌ها بر این است که نیازشان به امنیت، ثبات، محبت، همدلی، پذیرش و احترام به شیوه‌ی قابل پیش‌بینی ارضا نخواهد شد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). این افراد نمی‌توانند سبک دلبستگی ایمنی داشته باشند و سبک دلبستگی غالب این افراد نایمن می‌باشد.

همچنین، برانگیختن طرحواره‌ها، باعث ایجاد جذابیت جنسی در رابطه عاشقانه می‌شود و گاهی مشکلات ارتباطی زوجین بیشتر از آن که به روابط فعلی آن‌ها با همسرانشان مربوط شود، در واقع بخشی از سبک زندگی آن‌هاست (یانگ و همکاران، ترجمه حمیدپور، ۱۳۸۶)؛ بنابراین از آنجا که ارتباط مستقیمی بین ارتباط نامناسب زن و شوهر با یکدیگر و ارتباط نامناسب آن‌ها با فرزندانشان وجود دارد، در ازدواج‌هایی که ارتباط زن و شوهر با یکدیگر تعارض آمیز است، ارتباط والد-فرزندی مناسبی نیز وجود نخواهد داشت و فرزندی که در این خانواده‌ها بزرگ می‌شوند، خود تبدیل به والدینی خواهند شد که کفایت و قابلیت مناسب نداشته، مشکلات و تعارضات زناشویی والدین را در زندگی مشترک خود تکرار کرده و آن‌ها را به فرزندانشان نیز منتقل می‌کنند (باثوم، ۲۰۰۳). تامسون در این زمینه فرضیه‌ای را ارائه می‌دهد و اعتقاد دارد که ازدواج به صورت مستقیم منعکس‌کننده رابطه اولیه با کودک است (کلوتر، ۲۰۰۰) و همان‌طور که گفته شد طرحواره‌ها به عنوان یکی از عوامل هسته‌ای در ساختار شخصیت مطرح می‌باشد و فرد را به سمت روابط مختلف سوق می‌دهند و واضح‌ترین آن می‌تواند در زندگی زناشویی و

تعارض بین زوجین باشد، زیرا هر یک از دو طرف، کوله باری از گذشته خویش را به زندگی مشترک آورده‌اند.

نتایج نشان داد که بین سبک‌های عشق ورزی (میل، تعهد و صمیمیت) و تعارضات زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. این یافته با یافته‌های به دست آمده از پژوهش حفاظی طریقه، فیروزآبادی و حق شناس (۱۳۸۵)، کامکار و جباریان (۱۳۸۵)، سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵)، ولی بیگی و پیوسته (۱۳۸۷)، رحیمی و بنگانی (۱۳۸۷)، آوربک و همکاران (۲۰۰۷)، کرافورد و همکاران (۲۰۰۳)، احمت اگلو و همکاران (۲۰۰۳)، پاتریک، سلز، گیوردانو و فولرز^۱ (۲۰۰۷) همسو می‌باشد.

در توجیه این که چرا مؤلفه‌های عشق با کاهش تعارضات زناشویی همراه است با مرور پیشینه پژوهش می‌توان گفت احساس عشق، هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌گردد، اما برخورداری از عشق اصیل و واقعی در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به کارگیری خرد نیز می‌باشد که به دنبال ارضای میل نیز می‌تواند ایجاد گردد. به طور کلی می‌توان گفت فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتر و نیز تعارضات زناشویی کمتری را تجربه کنند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط زناشویی است. زن و شوهر، زمانی به رضایتمندی می‌رسند که به اندازه‌ی کافی در ارتباطشان با یکدیگر صمیمی و در حل مشکلاتی که در زندگی‌شان به وجود می‌آید، با یکدیگر همکاری کنند (ایسر، ییودا و اولادون^۲، ۲۰۱۴). صمیمیت، اهمیت اساسی در ماندگاری روابط زوجین دارد و میزان آن، تأثیر عمیقی در دستیابی به شادکامی زناشویی دارد. تعداد زیادی از افراد که به مشاوره و روان‌درمانی مراجعه می‌کنند، برای به دست

۱. Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R.

۲. Esere, M.O., Yeyeodu, A., Oladun, C.

آوردن سطح رضایت بخشی از صمیمیت شکست خورده‌اند (سعادتیان، سامانی، پارسانی و ویکرام، ۲۰۱۴). در مورد شیوه‌های متفاوت ابراز صمیمیت در زنان و مردان هاک، جرستین، دیتریچ و گریدلی^۱ (۲۰۰۳)، طی تحقیقی چنین اظهار داشتند که زنان صمیمیت را به صورت عشق، عاطفه و ابراز احساسات گرم نشان می‌دهند، در حالی که مردان صمیمیت را بیشتر مشارکت در فعالیت‌ها، نزدیکی بدنی، صمیمیت در گذراندن وقت و رفتارهای جنسی می‌دانند.

از سویی وجود تعهد در رابطه، باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر نیز موجبات توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه را فراهم می‌سازد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هریک از اعضای آن می‌کوشند (هریس^۲، ۲۰۰۶). تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به طور مؤثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند (پاترسون^۳، ۲۰۰۲). بعد میل یا هوس نیز با ارضای نیازهای عاطفی و جسمانی (جنسی) زوجین در ارتباط بوده و بر رضایت و نیز تعارضات زناشویی تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر کمترین ارتباط بین این سه جز در رابطه با جز میل یا هوس با تعارضات زناشویی یافت شد. این یافته می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به عشق و تظاهرات رفتاری مرتبط با آن باشد، چرا که در مطالعات بین فرهنگی از جمله پژوهش‌های جانو^۴ (۲۰۰۱) در چین نشان داده شده است که زوج‌های آمریکائی نسبت به زوج‌های چینی نمرات بالاتری در شور و اشتیاق کسب می‌کنند و نیز نمرات آسیایی‌ها در مؤلفه‌ی هوس، پایین‌تر از انواع عشق است و برعکس در جز تصمیم و تعهد نمرات بالاتری نسبت به آمریکائی‌ها و فرانسوی‌ها دارند.

نتایج نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های عشق ورزی رابطه مثبت معناداری با یکدیگر دارند. در تبیین این

-
- . Hook, M. K., Gerstein, L. H., Detterich, L., & Gridley, B.
 - . Harris, V. W.
 - . Patterson, J. M.
 - . Ge, Gao.

یافته‌ها می‌توان اظهار داشت که با توجه به ارتباط تنگاتنگ بین طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی و طرد و سبک‌های دلبستگی ناایمن که هر دو ریشه در ارتباط‌ها و تعاملات منفی دوران اولیه عمر فرد دارند و با توجه به اینکه طرحواره‌های فرد مقاوم به تغییر هستند و همچنین مدل کار درونی سبک دلبستگی فرد در سراسر زندگی وی گسترش می‌یابد و اینکه روابط نزدیک و صمیمانه فرد در بزرگسالی، بریدگی و طرد و تعارضات زناشویی را واسطه می‌شوند، می‌توان بیان کرد که ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین شخصی به گونه‌ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرد (فینی، ۱۹۹۴). هازن و شیور^۱ (۱۹۹۴) بیان کردند که نوع دلبستگی کودکی در ایجاد نوع رابطه‌ی رمانتیک و عاشقانه‌ی دوره‌ی بزرگسالی و نیز کیفیت ارتباط تأثیرگذار است. هر یک از زوجین دارای سبک دلبستگی غیرایمن، نسبت به همسرانشان بی‌اعتماد هستند و سطوح پایینی از همبستگی و اتکای متقابل را نشان می‌دهند، در تعهد و صمیمیت مشکل دارند و سطوح پایینی از رضایتمندی روابط و نیز سطوح بالای تعارضات را گزارش می‌کنند (مردانی حموله و حیدری، ۱۳۸۹) و همچنین این نکته که متون مختلف نظریه‌ی دلبستگی را تنها یک نظریه‌ی تحول کودک نمی‌دانند، بلکه از آن به عنوان نظریه تحول در فراخنای زندگی نام می‌برند، می‌توان نکته مثبتی در تبیین ما باشد.

با توجه به اینکه نمونه‌ی مورد پژوهش زنان بودند و مردان در آن لحاظ نشدند، نتایج برای تعمیم به مردان محدودیت دارد. بررسی مدل پیشنهادی این پژوهش در گروه‌های فرهنگی و قومی مختلف از پیشنهادها پژوهش حاضر است. همچنین، پیشنهاد می‌شود جهت افزایش محدوده‌ی تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در نمونه‌ی وسیعتر و جوامع دیگر نیز تکرار شود تا تناسب مدل ارائه شده را مورد بررسی بیشتر قرار دهد.

بر اساس یافته این پژوهش، درمانگران می‌توانند در بحث بررسی و درمان مشکلات زناشویی به بررسی طرحواره طرد و بریدگی بپردازند. در کنار بررسی طرحواره طرد و

^۱. Hazen, C., & Shaver, P.R.

بریدگی، توجه به سبک‌های عشق‌ورزی برای پایین آوردن سطح تعارضات زناشویی بسیار مهم جلوه می‌کند.

منابع

- آهی، قاسم (۱۳۸۴). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (SQ-SS) (بررسی ساختار عاملی) بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴. پایان نامه کارشناسی ارشد علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- استرنبرگ، رابرت (۱۹۸۹). *قصه عشق (نگرشی تازه به روابط زن و مرد)*. ترجمه فاطمه بهرامی (۱۳۸۶). تهران: نشر جوانه رشد.
- بک، آرون. تی. (۱۹۷۴). *عشق هرگز کافی نیست*. ترجمه مهدی قراچه داغی. (۱۳۷۹). تهران: انتشارات پیکان.
- افخمی، ایمانه؛ بهرامی، فاطمه؛ و فاتحی زاده، مریم (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی در استان یزد، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۹ (۳)، ۴۴۴-۴۳۱.
- اندوز، زهرا؛ و حمیدپور، حسن (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین. خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی در ایران: تهران.
- ثنائی ذاکر، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- حفاظی طرقله، میترا؛ فیروزآبادی، علی؛ و حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزای عشق و رضایتمندی زوجی، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۱۶ (۱۶)، ص ۹۹-۱۰۹.
- خزایی مهدی (۱۳۸۵). *بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی با تعارضات زناشویی دانشجویان دانشگاه تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه خاتم.

داتیلیو، فرانک ام؛ و بیرشک، بهروز (۱۳۸۵). رفتاردرمانی شناختی زوج‌ها. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۸(۳)، ص ۷۱-۸۰.

دهقان، فاطمه (۱۳۸۵). مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقای طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.

رجبی، غلامرضا؛ پیردایه، معصومه؛ و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش شناختی رفتاری به شیوه الیس بر کاهش باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانشجویان دختر. *فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲(۲)، ۱-۴۰.

رجبی، غلامرضا؛ و بنگانی، خدیجه (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل ادارات دولتی اهواز. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲۵(۷)، ص ۷-۲۵.

رفیعی، سحر؛ حاتمی، ابوالفضل؛ و فروغی، علی اکبر (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین طحاره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۱(۲)، ۲۱-۳۶.

زرعکانی، الهام (۱۳۹۰). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با تعارضات زناشویی معلمان. دومین همایش ملی روانشناسی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

سپاه منصور، مژگان؛ و مظاهری، مریم (۱۳۸۵). مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص ۲۱۷.

ستیر، ویرجینا (۱۹۸۳). *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*. ترجمه بهروز بیرشک (۱۳۸۴). تهران: انتشارات رشد.

شیری، طاهره؛ گل محمدیان، محسن؛ و حجت‌خواه، سید محسن (۱۳۹۵). اثربخشی طرحواره‌درمانی بر نگرش‌های ناکارآمد نسبت به انتخاب همسر در دانشجویان دختر. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۲۷(۷)، ۱۷۱-۱۸۸.

- فرح بخش، کیومرث؛ و شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۵). ابعاد عشق‌ورزی بر اساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج های در مرحله نامزدی، عقی، ازدواج و دارای فرزند. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی، شماره ۳۰، ص ۱۰۲
- قمرانی، امیر؛ و جعفر طباطبائی، سمانه سادات (۱۳۸۵). بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت زناشویی و متغیرهای دموگرافیک. مجله تازه ها و پژوهش های مشاوره، ۵(۱۷)، ص ۹۵-۱۰۹
- کامکار، مژگان؛ و جباریان، شهرزاد (۱۳۸۵). بررسی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، ص ۳۱۱.
- کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف؛ و بهمنی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۲)، ص ۲۶۳-۲۵۶
- گری، جان (۱۹۹۹). روابط زناشویی موفق. ترجمه قدیر گل کاریان (۱۳۷۶). انتشارات تلاش.
- لطفی، راضیه (۱۳۸۵). مقایسه طرحواره های ناسازگار در مبتلایان به اختلالات شخصیت دسته ب و افراد سالم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- مردانی حموله، مرجان؛ و حیدری، هادی (۱۳۸۹). ارتباط خوشبینی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان. فصلنامه دانشکده‌ی پرستاری و مامایی، ۸(۱)، ۴۶-۵۲.
- منصوری، زهره؛ و مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۹). رابطه اختلال در سلامت روانی و خشنودی شغلی با رضایت زناشویی در زنان شاغل. زن و فرهنگ، ۹۱(۱)، ۱۰۳-۱۰۲.
- ولی بیگی، منصور؛ و پیوسته، مسعود (۱۳۸۷). بررسی میزان و نوع عشق با رضایت از زندگی و سلامت روان در دانشجویان زن متأهل دانشگاه الزهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

هادی، سعیده؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله؛ و فرخی، نورعلی (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲۸(۷)، ۶۰-۳۳.

یانگ، جفری (۱۹۹۹). شناخت درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرحواره محور. ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۸۶). جلد اول. تهران: انتشارات ارجمند.

یانگ، جفری؛ کلوکسو، ژانت؛ و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳). طرحواره درمانی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.

Ahmetoglu, G; Swarni, V, & Chamorro-Premuzic, T. (۲۰۰۹). The Relationship Between Dimensions of love, personality, and Relationship Length. *Journal of Archives of Sexual Behavior*, Springer. ۳۹(۵), ۲۳۰-۲۱۸.

Blodgett, E. H., Schaefer, M. K., & Haugen, E. C. (۲۰۱۳). Connections between marital conflict and adolescent girls' disordered eating: parent-adolescent relationship quality as a mediator. *Journal of Child & Family Studies*, ۲۲(۴), ۱-۱۱.

Banes, R. (۲۰۰۴). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for duadic configuration effects. *Journal of Social and person Relationships*, ۲۱, ۲۷۳-۲۸۲.

Barber, B. K. (۱۹۹۲). Family, personality, and adolescent problem behaviors. *Journal of Marriage and the Family*, ۵۴, ۶۹-۷۹.

Baum, R. (۲۰۰۳). Divorce process variables and the co parental relationship and parental role full fillment of divorce parents' family and couple research. *Journal of family process*, ۴۲, ۱۱۷.

Bowlby, J. (۱۹۶۹). *Attachment and tools*. Vol: ۱. Attachemnt. New York: Basic Book.

Cecero, J., Nelson, J., & Gillie, J. (۲۰۰۴). Tools and Tenets of schema Therapy: Toward the construct validity of Early maladaptive schema

- Questionnaire Research Version (EMSQ ° RV). *Clinical psychology and psychotherapy*, ۱۱, ۳۴۴-۳۵۷.
- Chay, S.R.F., Zarei, E., & Pour, F. (۲۰۱۴). Investigating the relationship between Maladaptive Schemas and Marital Satisfaction in Mothers of Primary School Children. *Academic Journal of Psychological Study*, ۳(۲), ۱۴۸-۱۵۳.
- Crawford, D. W., Feng, D., Fischer, J. L., & Diana, L. K. (۲۰۰۳). The influence of love, equity, and alternative on commitment in romantic relationships. *Journal of Family and consumer Research*, ۳۱(۳), ۲۵۳-۲۷۱.
- Clifton, J.A. (۱۹۹۵). The effects of parenting style, attachment, and early maladaptive schema on adult romantic relationships (Doctoral dissertation, University of Georgia). *Dissertation Abstracts International*, ۵۶(۱۰), ۵۷-۹۱.
- Dumitrescu, D., & Rusu, A.S. (۲۰۱۲). Relationship between early maladaptive schemas, couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, ۱۲(۱), ۶۳.
- Edalati, A., & Redzuan, M. (۲۰۱۰). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, ۶(۴), ۱۳۲-۱۳۷.
- Eser, M.O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (۲۰۱۴). Obstacles and suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria, *Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۱۱۴, ۵۸۴-۵۹۲.
- Feeny, J.A. (۱۹۹۴). Attachment style, Communication patterns and satisfaction across the life cycle of marriage. *Journal of Personal Relationships*, ۴(۱), ۳۳۳-۳۴۸.
- Faircloth, B. (۲۰۱۲). Children and Marital Conflict: A Review. *Case makers*, ۶(۱), ۱-۵.
- Ge, Gao. (۲۰۰۱). Intimacy, passion and commitment in chinese and U.S American romantic relationship. *International journal of inter cultural relationship*. ۲۳, ۳۲۲-۳۴۲.

- Hook, M. K., Gerstein, L. H., Detterich, L., & Gridley, B. (۲۰۰۳). How close are we? Measuring intimacy and examining gender differences. *Journal of Counseling & Development*, ۸۱, ۴۶۲-۴۷۳.
- Hazen, C., & Shaver, P.R. (۱۹۹۴). Attachment as an organizational framework for research on close relationships. *Psychological Inquiry*, ۵, ۱-۲۲.
- Hustsinger, E.T., & Luecken, L.Y. (۲۰۰۴). Attachment relationship and health behavior: The mediation role of self-esteem. *Journal of Psychology Health*, ۱۹, ۲۶-۵۱۵.
- Karantzas, G. C., Feeny, J. A., & Wilkinson, R. (۲۰۱۰). Is less More? Confirmatory factor analysis of the Attachment style questionnaires. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۲۷ (۶), ۷۴۹-۷۸۰.
- Harris, V. W. (۲۰۰۶). Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, ۷(۴), ۴۸-۵۲.
- Klwer, E.S. (۲۰۰۰) marital quality. in R. M. Milardio & D. Duck (Eds). *Families as relationship*, ۵۹-۷۸. New York: Wiley.
- Long, L., Yang, M. (NS). *Counseling and treatment issues in couple*. Translator, Nazari A, Khodadadi J, Asadi M, Namvaran K, Sahebdel H. (۲۰۱۳). Tehran: Avaye Noor Publisher; ۵۲.
- Lucas-Thompson, R. G. (۲۰۱۲). Associations of marital conflict with emotional and physiological stress: evidence for different patterns of dysregulation. *Journal of Research on Adolescence*, ۲۲(۴), ۷۰۴-۷۲۱.
- Lussier, Y., Sabourin, S. & Turgeon, C. (۱۹۹۷). Coping Strategies as moderators of the relationship between attachment and marital adjustment. *Journal of social and personal Relationships*, ۱۴, ۷۷۷-۷۹۱.
- Ioliveira, J., & Costa, M.E. (۲۰۰۰). Perception of marital and parental satisfactions and its relation with parental attachment in Portuguese late adolescents. Retrieved from: <http://www.Arifref.Uqam>.
- McCoy, K., Cummings, E. M., & Davies, P. (۲۰۰۹). Constructive and destructive marital conflict, emotional security and children's prosocial behavior. *Journal of Child Psychology & Psychiatry*, ۵۰(۳), ۲۷۰-۲۷۹.

- Oh, K. J., Lee, S&.,Park, S. H. (۲۰۱۱). The Effects of Marital Conflict on Korean Children's Appraisal of Conflict and Psychological Adjustment. *Journal of Child and Family Studies*, ۲۰(۴), ۴۴۴-۴۵۱.
- Oliveira, J., & Costa, M. E. (۲۰۰۰). Perception of marital and parental satisfaction and its relation with parental attachment in portuguese late adolescents. Retrieved from: [http:// www. Arifref. Uqam](http://www.Arifref.Uqam).
- Overbeak, B., Kemp, B., & Engels. G. (۲۰۰۷). Two personalities, one relationship: Both partners personality traits. *Journal of personality and social psychology*, ۷۹, ۲۵۱-۲۵۹.
- Papalia, D.E. (۲۰۰۲). A child's world: infancy through adolescence. New York: Mc Graw ° Hillsdale.partners. *Child Development*, ۷۳, ۲۴۱-۲۵۵.
- Patterson, J. M. (۲۰۰۲). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and the Family*, ۶۴, ۳۴۹-۳۶۰.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G. and Tollerud, T. R. (۲۰۰۷). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, ۱۵, ۳۵۹-۳۶۷.
- Platts, H., Tyson, M., Mason, O. (۲۰۰۵). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical sample. *Psychology and psychotherapy, Theory research and practice*. ۷۸, ۵۴۹-۵۶۴.
- Robinson, L.C. (۲۰۰۰). Interpersonal relationship quality in young adulthood: A gender analysis. *Journal of adolescence*, ۳۵(۱۴۰), ۷۷۵-۷۸۴.
- Riggio, H. R., & Valenzuela, A. M. (۲۰۱۱). Parental marital conflict and divorce, parent ° child relationships, and social support among Latino American young adults. *Personal Relationships*, ۱۸(۳), ۳۹۲-۴۰۹.
- Saadatian, E., Samani, H., Parsani, R., Vikram, P., Anshul, L.J., Tejada, L., David, C.A., & Nakatsu, R. (۲۰۱۴). Mediating intimacy in long-distance relationships using kiss messaging. *Journal of Human-Computer Studies*, ۷۲ (۱۰-۱۱), ۷۳۶-۷۴۶.
- Segrin, C., & Flora, J. (۲۰۰۵). *Family Communication* (۱ ed.). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Segrin, C., & Flora, J. (۲۰۰۵). *Family Communication* (۱ ed.). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

- Strong, B., Devault, C., & Cohen, T. F. (۲۰۱۱). *The Marriage and Family Experience: Intimate Relationships in a Changing Society* (۱۱ ed.). USA: Wadsworth general learning.
- Simpson, J.A., Colins, W.A., Tran, S., & Hydon, C. (۲۰۰۷). Attachment and the expression of emotion in romantic relationship: A developmental perspective. *Journal of Personality Social Psychology*, ۹۲, ۶۷-۳۵۵.
- Stiles, O. E. (۲۰۰۴). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships*. Unpublished doctoral dissertation, Alliant International University, San Francisco [On-Line]. Available: www.Proquest.com.
- Troupe, F. Y. (۲۰۰۸). *Marital Conflict: A Longitudinal Study*. (requirements for the degree of Doctor of Philosophy), The Florida State University, Florida
- Virgil Zeigler-Hill, V., Z., Green, B., Arnau, R.C., Sisemore, T., B., & Myers, E.M. (۲۰۱۱). Trouble ahead, trouble behind: Narcissism and early maladaptive schemas. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*. ۴۲, ۹۶-۱۰۳.
- Zhylyevskyy, O. (۲۰۱۲). Spousal Conflict and Divorce. *Journal of Labor Economics*, ۳۰(۴), ۹۱۵-۹۶۱.
- Young, J. E. & Gluhoski, V. (۱۹۹۷). A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships. In R. J. Sternberg & M. Hojjat (Eds.). *Satisfaction in close relationships* (pp.۳۵۶-۳۸۱). New York: The Guilford Press.